

# ایران



سخن‌روز

امام علی علیه‌السلام: خردهای دانشمندان، در نوک قلم‌های ایشان است.

(غررالحکم: ۶۳۹)

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
- سردبیر: حسام الدین برومند
- معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
- دبیران: مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- زرین رستمی وند (اجتماعی)

- بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیززی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست‌بوم) • فرناز قلعه‌دار (حوادث)
- مهدی کلهرزاد (اجرای)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری)
- ابوالفضل نسایی (عکس)



ای غایب از نظر به خدا می سپارمت  
جانم بسوختی و به دل دوست دارمت  
تا دامن کفن نکشم زیر پای خاک  
باور مکن که دست ز دامن پدرم

حافظ

- تلفن: ۰۰۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۰۰۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۰۰۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۰۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۰۰۵۳۳۸۸ • امور مشترکین: ۰۰۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه اجزو ۱۹۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۰۰۱۸۷۲ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۰۵۸۸۵۴۸۸۹۲

## یادداشت



رضا باقری پور پژوهشگر سیاستگذاری عمومی

### مشاوره سیاستی در مهلکه ترندها

ما بازای واژه «ترند» لاقلا در این یادداشت مواردی از قبیل موج‌های فضای مجازی با افکار عمومی، مشهورات، کلیشه‌ها و... مدنظر است. تمام آن چیزهایی که «باب» می‌شود و «سکه رایج» می‌گردد. همان چیزی که «همه می‌گویند» و تقریباً «مد» شده است. ترندها در اطراف ما و در هر ساحتی وفور دارند. ما پدیده ترند را از اینستاگرام و تیک‌تاک شناختیم. ترند آنگونه که در این پلتفرم‌ها بروز داشت، معنی خود را به خوبی برای ما محسوس می‌ساخت. موسیقی‌ای که بیکباره ترند می‌شد. روی ویدیوها صداگذاری می‌شد؛ رقص‌های مشابه، چالش‌های فراگیر و... از مصادیق آن بود. اما نه سابقه ترند و نه محدوده آن متوقف بر اینستاگرام و تیک‌تاک نبود. روزنامه‌نگاری و کار رسانه‌ای از اولین محمل‌های ترند بود. اصلاً ترند را رسانه می‌سازد. نوع پرداخت یکسان یا زاویه‌نگاهی مشترک که چنان پر قدرت شروع می‌شود که در بدو پدایش بدیهی و ازلی تلقی می‌گردد. چه کسی به خاطر دارد که موج پر بسامد «پوز پلنگ ایرانی» کی و از کجا شروع شد؟ چرا عدم انقراض این گونه جانوری اینقدر مهم شد؟ چرا به رغم کنترل رسانه‌های در کشور اعم از رسمی و غیررسمی، نظر متفاوتی حول این ترند شکل نمی‌گیرد؟ آیا امروزه جامعه تاب می‌آورد که کسی هم بگوید «انقراض این گونه جانوری چه چندان عجیب است و نه آنقدرها مهم؟» نیک و بد سرشت پدیده ترند یک قضیه مستقل است اما وقتی پای سیاست، اداره عمومی و مسائل حکومتداری به میان می‌آید، ترند و موج‌های رسانه‌ای و افکار عمومی چالش‌ساز می‌شود. بخصوص اگر به شرایط زمینه‌ای کشور نیز التفاتی داشته باشیم و بژد مؤثر زردنویسی‌های اینستاگرامی، کلیشه‌های شبه‌علمی و یافته‌های ماهواره‌ای را که تا وسط جلسات تصمیم‌گیری‌های مهم کشور می‌رسد، نیز بدانیم و لحاظ کنیم.

#### مشاوره سیاستی بحران ساز

ترندها تا بالاترین سطوح دولت (state) خود را امتداد می‌دهند. اصلاً هدف اصلی هم همین بوده است. آنها از عرصه عمومی ایجاد می‌شوند تا تصمیماتی را در بالاترین سطوح تغییر دهند. شاید یکی از کاروزهایی که از یک واحد مشاوره سیاستی مانند اندیشکده یا مرکز پژوهشی یا یک فرد مشاور انتظار داریم همین است که بر گلوگاه شناختی و اطلاعاتی تصمیم‌گیرندگان بایستد و زنجیره فریب را قطع کند. همانگونه که از یک خبرنگار در رسانه همین انتظار را در قبال افکار عمومی داریم، اما واضح است که نه همه خبرنگاران و نه همه مشاوران آتی نیستند که باید باشند. ترند گاهی ترند بان‌ها را نیز با خود می‌برد. می‌شود با ذکر مثال‌هایی که احتمالاً مصادیقش را در یاد داشت‌ها، مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و خروجی‌های مشاوران، مدیران و اندیشکده‌ها دیده‌ایم، به وجود آن حال با هر کمیتی و گسترده‌ای، پی برد. به عنوان مثال می‌شود حس کرد که نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کشور حدوداً ده سالی است که نا کج‌آباد به «قدسیت استارت‌اپ» رسیده است. همه می‌خواهند همه چیز را با استارت‌اپ و آن هم با نازل‌ترین گونه‌آن یعنی استارت‌اپ خدماتی حل کنند. فضا به نحوی است که همه در هر جایی کمک به توسعه این فضا را باید و وظیفه خود بدانند. هیچ سعه‌صدری در مقابل هر تصمیمی که مانعی بیش پای این فضا تلقی شود، وجود ندارد. اندیشکده‌ها و افراد صاحب نقش در فضای سیاستگذاری تحت عناوینی چون پرهیز از رانت یا خاصه بخشی، اجتناب از رشد گلخانه‌ای صنعت، رقابت آفرینی و... بخش‌های مهم و زیربنایی تری چون خودروسازی بومی، لوازم خانگی داخلی و... را آماج قرار می‌دهند، نسبت به کمک‌های نقدی بلاعوض، تسهیلات کم بهره، لجسنتیک و معافیت‌های گاهی انحصار آفرین برای استارت‌اپ‌ها خلق حمایت می‌کنند. دامنه

## یادداشت



زهرا عباسپور فعال حوزه زنان

### خانم قاضی و حکمرانی زنانه-مادرانه

باور دارم خداوند دنیا را به بهای انسان‌های خوبی که در آن زندگی می‌کنند دوام می‌بخشد والا زشتی و کره بودن اعمال بسیاری از انسان‌ها و تمام نشدن صبر الهی در فهم انسانی‌ها ما نمی‌گنجد. امروز مجدد پس از مدتی به همراه دوست عزیز بی یکی از این بهترین بندگان خداوند دیداری داشتم. ملاقات با خانم عابدین زاده معاون دادستان و یکی از بهترین قضات مشهد در دادسرای ویژه خودش که بیشتر به یک خانه کودک شبیه بود تا دادسرا، خستگی روح و جانم را جلا بخشید. من چند سال قبل درباره بزرگی فکسر و نیت این بانو چند سطر نوشته بودم، اما امروز زنی را دیدم که کارها و اقدامات بزرگتری را رقم زده بود و برای جرایمی نظیر کودک‌آزاری، کودک‌همسری، بدبوششی، تراجسینی‌ها و... با نگاه زنانه و مادرانه خود اقداماتی کرده بود که نظیرش نه تنها در خاورمیانه بلکه در مهد تمدن غرب به لحاظ رعایت کرامت انسانی در محاکم قضایی کم نظیر و بلکه بی نظیر است.

در طول جلسه کاری که با ایشان داشتم، بیش از گذشته دریافتیم عمده مشکل حکمرانی ما نه کم بودن منابع است و نه قوی بودن دشمن معارض، بلکه به فرموده شهید چمران عدم رعایت ملازمه تقوا و تخصص است که انسان با تقوا بدون تخصص کاری را نمی‌پذیرد و خانم قاضی برای هر یک از مشکلات محکمه‌اش ساعت‌های زیادی صرف پژوهش و بررسی علمی و یافتن راه‌حل معقول و البته در قالب شریعت کرده و توانسته از ظرفیت مردمی و متخصص در مدیریت مجموعه قضایی خودش استفاده کند. در نگاه مادرانه این قاضی، کودکان مراجعه‌کننده به این مرکز که همراه والدین و سرپرستان خود وارد این دادسرا می‌شوند باید تکریم شوند چه با «بن جایزه» توسط قضات و چه با «اتاق نشاط کودکان» و مملو از اسباب‌بازی که توسط اساتید دانشگاه، پزشکان، معلمان و دیگر نیروهای متخصص به صورت داوطلبانه اداره می‌شود. خانم مربی اتاق نشاط امروز، استاد دانشگاهی است که با لباس صورتی ملیحی که پوشیده بود از نشاطی می‌گفت که خدمت به این کودکان به او هدیه می‌کند. با دیدن شعف این استاد دانشگاه تعجب نکردم که ۶۰۰ نفری متخصص در نوبت خدمات‌دهی به این مرکز قضایی هستند. تیم روابط عمومی دادسرا هم پسران نوجوان مراجعه‌کننده سابق به این مرکز بودند که به صورت حرفه‌ای، برنامه‌های خانم قاضی را همراهی می‌کردند. در راهرو دادسرا همچنان که مملو از نقاشی کودکان، ماشین‌های اسباب‌بازی و درخت آرزوهاست، سفره بزرگ یلدانیز چیده شده و خانم قاضی در مسیر نشان دادن مرکز به ما با سلام و تشریح یلدا به مراجعه‌کنندگان، آنها را با روی خوش تکریم می‌کند. آری می‌شود با نگاه انسان‌مدارانه الهی در مرکز مراجعه انسان‌های آسیب دیده، تصویری از انسان در جامعه «مدینه‌النبی» و «پسا ظهور» به ما ارائه دهد که سراسر بوی خدا می‌دهد و دوست داشتن بندگان خدا، به راستی که بهترین حکمران، حکمرانی است که مردمانش را دوست بدارد.

## در نگاه

- مادرانه
- این قاضی، کودکان
- مراجعه‌کننده
- به این مرکز
- که همراه
- والدین و سرپرستان
- خود وارد
- این دادسرا می‌شوند
- باید تکریم شوند چه
- «بن جایزه» توسط قضات
- و چه با «اتاق نشاط کودکان»
- و مملو از اسباب‌بازی که توسط اساتید دانشگاه، پزشکان، معلمان
- و دیگر نیروهای متخصص
- به صورت داوطلبانه اداره می‌شود

## فضای مجازی

### خطرات ۱۰ نفر از سفرای دهه ۶۰ در یک کتاب

الله‌کرم مستقانی، رایزن ایران در لبنان در توئیتش ضمن اعلام خبر انتشار کتاب جدید خود نوشت: «کتاب سفیر انقلاب که در واقع مصاحبه با ده نفر از سفرای دهه ۶۰ است، توسط انتشارات شریف «ایران» منتشر شد. در این کتاب صرفاً دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفته و البته مسیر زندگی شخصی، اداری، مبارزاتی و سیاسی سفرا، قبل از پیوستن به وزارت امور خارجه، سعی کرده‌ام در خلال مصاحبه‌ها فضای وزارت خارجه و سفارتخانه‌ها را در آن برهه، روشن کنم. دهه ۶۰ دهه‌ای بسیار تأثیرگذار در شکل‌گیری و تقویت پایه‌های نظام بود. در این کتاب همچنین تلاش شد نقاط قدرت و ضعف دستگاه خارجی در آن برهه از زبان سفرای وقت، مورد توجه قرار گیرد. کتاب را به ۳۸ شهید دیپلمات تقدیم کرده‌ام.»



### ضرورت حراست از جام بلورین شادی‌های مردم

عزت‌الله ضرغامی، وزیر گردشگری در توئیتش نوشت: «در شب یلدا، از بازار و بافت تاریخی گرگان بازدید کردم. با هندوانه فروش، ماهی فروش، سیگارفروش، آواره خوان و دیگران اختلاط کردم. مردم شاد بودند. حکومت باید از شادی‌های مردم مثل جام بلورین محافظت کند.»



### از لحظه اشک ریختن زنان تبرس!

پرستو علی‌عسگرزاد، نویسنده در اینستاگرامش ضمن انتشار ویدیویی دلخراش از دختر بچه‌ای مجروح در بیمارستانی در غزه نوشت: «ما شاید زندگی مان را بکنیم، شاید قرمه‌سبزی بپزیم، پادکست بشنویم، داستان بنویسیم، با بچه‌مان خمیربازی کنیم، میهمانی شب یلدا بگیریم و حافظ بخوانیم، اما یادمان نمی‌رود. مطمئن باش روز ما بدون دعا برای مردن تو شب نمی‌شود. مطمئن باش شده حتی یک بار، شده حتی فقط یک بار در طول روز، حتماً غم در یکی از همین لحظات، خفتمان می‌کند. اشکمان در قابلمه قرمه می‌چکد، چند جمله از پادکست را نمی‌شنویم، دستمان روی خمیربازی مردد می‌ماند، چون به یاد می‌آوریم. ناگهان یادمان می‌افتد که هر روز صدها زن مثل این زن، جگرگوشه‌شان را به خاطر توی تکبیت لعنتی، از دست می‌دهند. یک لحظه در ما زن‌ها هست که اسمش لحظه طبله‌کردن دل است. این وقتی است که غم ما از حد می‌گذرد و به خدا پناهنده می‌شویم. این جایی است که ما زن‌ها، شبیه‌ترین موجودات به خداوند در جهان، خدا را با همه قلبمان به معرکه فرامی‌خوانیم. در لحظه طبله‌کردن دل، ما با پشت دست، محکم و تند، اشک‌هایمان را پاک می‌کنیم، خشم در دلمان غلیان می‌کند و تصمیم می‌گیریم. این تصمیم را با او دعا، با خدا در میان می‌گذاریم. تو بد جور باید از این تصمیم بترسی. تو باید وحشت کنی از لحظه طبله‌کردن دل ما، چون ما تنها نیستیم. با بچه‌هایمان تصمیم می‌گیریم روز تو را سیاه کنیم. تصمیم می‌گیریم فرزندان در دامن بیروزم که پدر زورگویان جهان را دریابورند، فرزندان که همه‌جانیشان گوش است بی شنیدن صدا انا المهدی.»



### استقبال مردم از مسئولین خار چشم رسانه‌های صدای ایرانی

محمد اکبرزاده، خبرنگار در توئیتش ضمن انتشار ویدیویی نوشت: «استقبال خیره‌کننده و معنادار مردم اهل سنت مراوه‌تپه از رئیس‌جمهور تصاویری درآور است برای رسانه‌های صد ایرانی و آنها که از تعمیق شکاف‌های اجتماعی در ایران ارتزاق می‌کنند.»



### تروریسم با تبریک یلدا بزک‌شدنی نیست

جعفر یوسفی، روزنامه‌نگار در توئیتش نوشت: «دیپلماسی عمومی برای افزایش قدرت نرم کشورها بسیار مؤثر است اما الان دیگه سال ۲۰۱۰ نیست که آمریکا با تبریک یلدا و نوروز و افطاری دادن بتونه چهره خودش رو بزک کنه. تروریسم سیاسی-اقتصادی آمریکا با این نمایش‌ها قابل ترمیم نیست.»



همزمان با شب یلدا، بلندترین شب سال خانواده‌های معظم شهدا با حضور بر سر مزار شهدا در بهشت زهرا (سلام‌الله‌علیها) تهران یاد و خاطره شهیدان را زنده نگه داشتند.

عکس: مهر



## عکس نوشت